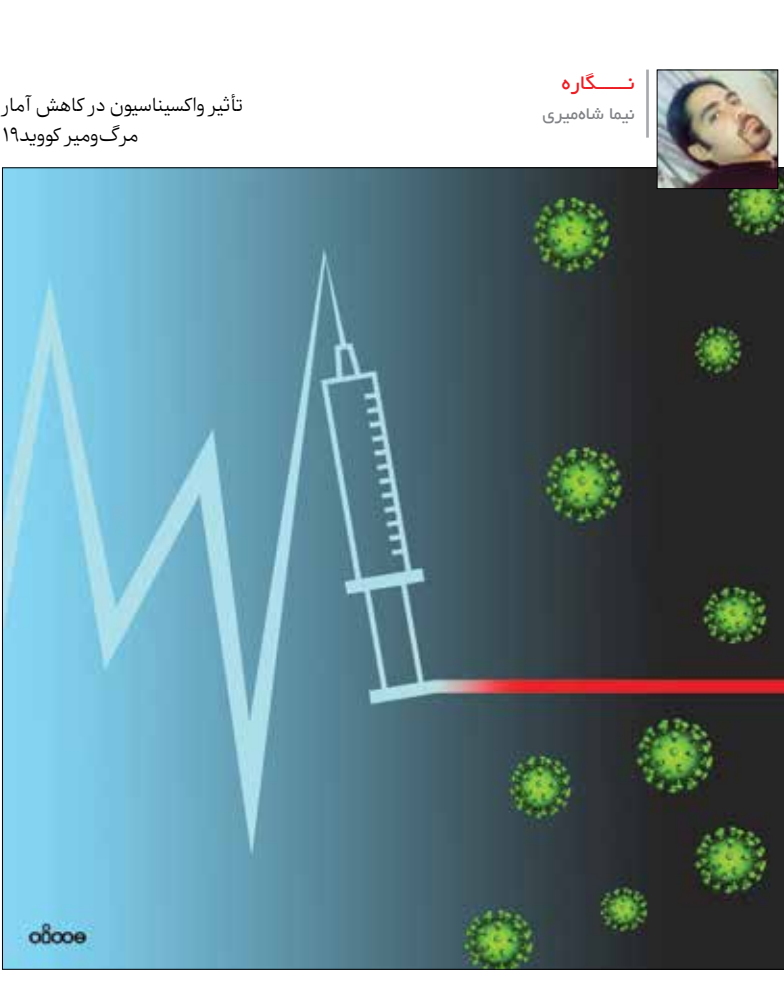


<div><b>ایران</b></div>	<div><div><span></span><span>تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰</span></div><div><span>نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۴۵</span><span> </span>ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵</div><div><span>پایکد: ۰۳۰۰۴۵۱۲۱۳</span><span> </span>روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</div><div><span>مخدوق پستی: ۰۳۸۸-۱۵۸۷۵</span><span> </span>/ <span>امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۸۰۰</span></div><div><span>چاپ: شرکت چاپ جام جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری</span></div><div><span>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</span></div><div><span>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶</span><span> </span>/ <span>پخشیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۸۷۰۰۲۱۰</span></div><div><span>انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲</span></div><div><span>http://irannewsaper.ir</span></div></div>
-------------------------	---



<div><b>هنر مندان</b></div> <div><b>در فضای مجازی</b></div>	
<p>از اتفاقات جالب و قابل توجه اهالی فرهنگ و هنر که در شبانه روز گذشته در صفحات خود به اشتراک می گذاشتند، تصویری از مقبره غزلسرای بزرگ ایران حافظ شیرازی و همچنین بخش هایی از اشعار او بود تا بدین واسطه ۲۰ مهر ماه را که به نام او مزین شده گرامی بدارند. <b>پژمان بازغی</b> <b>بازنگر سریال پر مخاطب افرا</b> هم از طرفداران خود تشکر کرده و خبر دیگر اینکه اثر جدید <b>ابراهیم گلستان</b> منتشر شده است.</p>	

<div><b>چهره‌ها</b></div>	
<p><b>پژمان بازغی</b> بازنگر سینما و تلویزیون که نقش برجسته‌ای در سریال «افرا» داشت، نوشت: «ممنونم از لطف همه شما مهربانان است. به تازگی خاطرات گاهی برعهده ما گروه سازنده است و گاهی نه، از همکارانم در پشت دوربین تشکر می‌کنم که خالصانه زحمت کشیدند و برای جلوی دوربین انرژی گذاشتند، از شما تشکر می‌کنم بابت صبر و شکیبایی‌تان، ان‌شاء‌الله تا فرصت دیگری در خدمتان خواهم بود.»</p>	<div><div><span></span></div><div><div></div></div></div>
<p><b>گلپل آدینه</b> دیگر بازیگر تئاتر و سینما هم از کار جدید خود که «بانوی زیبای من» نام دارد گفته که قرار است بزودی در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا شود: «با امید و با ایمنون و به جوام شانس»</p>	<div><div><span></span></div><div><div></div></div></div>
<p><b>محسن شریفیان</b> نوازنده نی‌انبان و سرپرست گروه موسیقی لیان هم در صفحه مجازی خود ویدیویی منتشر کرده از اجرایش کلن و در متنی با عنوان «ساز آشتی» نوشته: «می‌خواستم با نی انبان بر جهان چیره شوم! با آشتی قانون بنویسم. با شادی و آواز اجرایش کنم. با پایکوبی و دلداگی از زندگی بخوانم و این بزرگترین پیام من در تمام سفرهایم خواهد بود. شاید روزی یکی از جهانگشایان اقرار نماید که پیروزی نیزه و زنجیر نمی‌خواهد!»</p>	<div><div><span></span></div><div><div></div></div></div>
<p><b>احمد پوری</b> مترجم و نویسنده ایرانی هم ویدیویی از قطعه معروف چارداش اثر ویوتیرو موتنی منتشر کرده و درباره این کار نوشت: «در اصل برای سازهای زهی و ویولن تنظیم شده. اجرای آن با تار آذربایجانی سخت است و مهارتی ویژه می‌طلبد که «رامیز قلیوف» آن را دارد.»</p>	<div><div><span></span></div><div><div></div></div></div>
<p>صفحه رسمی <b>محمد صالح علا</b> هم که توسط یکی از دوستانران او اداره می‌شود ویدیویی از اجرای قطعه «بی‌قرار» علیرضا</p>	<div><div><span></span></div><div><div></div></div></div>
<p><b>■ برای کودکان</b></p> این روزها فضای مجازی برای کودکان هم تولید محتوا کرده است. یکی از این صفحات، صفحه رسمی انتشارات دادکین است که به مناسبت هفته کودک پادکستی منتشر کرده با داستانی از «کچل مم سیاه» در توضیح آن آمده است: «پادکست افسانه‌های ایرانی را تقدیم می‌کنیم تا کودکان ما بیشتر با قهرمان‌ها و داستان‌های ایرانی آشنا شوند.» داستان «کچل مم سیاه» یکی از داستان‌های کتاب «افسانه‌های ایرانی» نوشته محمد قاسم‌زاده است.	

## نگاره

نیما شاه‌میری



تأثیر واکسیناسیون در کاهش آمار مرگ‌ومیر کووید۱۹

## جادوی علاءالدین

اوایل دهه هفتاد، خرده ذوقی مرا به دوستانی پیوند زد که «بهتر از برگ درخت» بودند و از بختیاری من هنوز حقه مهرشان به همان مُهر و نشان است که بود. در همین جمع‌ها بود که به موسیقی ایل بختیاری دل بستم. «مال کئون» بهممن علاءالدین را که با آهنگسازی زنده یاد عطا جنگوک شنیدم، دیگر از دستم نیفتاد. شیفته دنیای حیرت‌انگیز موسیقی بختیاری و روایت‌های علاءالدین شدم، بعد، «هی جارا»، «برافتو»، «تاراز»، «آستاره» و «بهیگ» هم راهی به دنیای من باز کردند. افسوس که تا زنده‌یاد علاءالدین در اهواز بود، همت نکردم به دیدارش بروم و این غبن تا همیشه با من است. برآیند همسایگی با نغمه‌های دلنشین موسیقی ایل بختیاری، تنها این نبود که فارغ از غوغای زمانه، دلم لحنطانی را با قشلاق و بیلاق ایل سپری کرده باشد. ناگهان به موسیقی نواحی ایران علاقه‌مند شدم. هر روز برای شنیدن آواهای گونه‌گون اقلیم‌های ایران زمین تشنه‌تر می‌شدم. قلمروهای تازهای در جان و جهان من گشوده می‌شد. عاشق «دولتی‌نوازی» شیرمحمد اسپندر شد و وقتی که در جشن به یاد ماندنی فرهنگ جنوب از «بمپور» (سیستان و بلوچستان به اهواز آمده بود. شبی هم در کرمان در یکی از دوره‌های جشنواره موسیقی نواحی ایران سعادت دیدارشان دست داد. در سرسرای هتل محل اقامت و در محفل شبانه‌ای که برپا بود، با همان سادگی روستایی وار، ولی با شکوهی معنوی دولتی نواخت. بهت‌الود، اشک می‌ریختم. پیرمرد ما را در گوشه و کنار بمپور سرگردان کرده بود. حال و هوای استاد محمدرضا درویشی بهتر از ما نبود.

او هم در خلسه‌ای دیدنی فرو رفته بود. موسیقی بلوچستان مانند طبیعت چشم‌نواز و مردمان سخاوتمندش برایم سرشار از تازگی بود. مجذوب صدا و قیچک‌نوازی پهلوان بلند زنگشاهی و تنبورک‌نوازی لعل بخش پیک شدم و مدت‌ها در ناحیه مکران سرگردان بودم. سفر ذهنی من در حوالی بمپور و ایرانشهر و چاپهار و سرباز تمامی نداشت.

کم‌کم، مجذوب نغمه‌های ساحل نشینان خلیج فارس و گونه موسیقی «زار» شدم. غلامعلی مارگیری با آوای سوزناکش جن از خودیگانگی را از روح و روان من بیرون کشید و به افسون خود در شیشه کرد. بعد، خالوقنبر راستگو

### کتاب‌های قدیمی کجا هستند

همین چند روز پیش بود که سری به یک کتابفروشی زدم و سر تا پای قفسه‌هایی را که دوست داشتم گشتم. اصلا بی‌هدف نمی‌دانم دنبال چه بودم. قفسه‌های تئاتر و داستان ایرانی و خارجی و فلسفه و اسطوره و شعر. اینها شاید علاقه‌مندی‌های من باشند. بعضی وقت‌ها که به کتابخانه شخصی‌ام سر می‌زنم و بعضی کتاب‌ها را می‌بینم که نخونده‌ام‌شان و می‌دانم هیچ‌وقت هم نمی‌خوانم‌شان، با خودم می‌گویم چرا این کتاب را خریده‌ام و بعد فکر می‌کنم که یک زمانی به این مقوله علاقه داشته‌ام و حالا هم علاقه دارم اما الان دلم می‌خواهد کتاب‌های دیگری بخوانم که دوست‌تر دارم‌شان. برای همین بود که هی در میان کتاب‌ها گشتم و گشتم.

همین چند روز پیش ویدیویی دیدم که در آن تبلیغ کتاب بود. کسی که تبلیغ می‌کرد می‌گفت توجه کرده‌اید وقتی در کتابفروشی کتابی را برمی‌دارید اول به سراغ قیمت کتاب می‌روید این درحالی است که باقی جنس‌هایی که می‌خریم چندان توجهی به‌شان نمی‌کنیم. واقعیت ماجرا هم همین است. من هم وقتی کتاب‌ها را برمی‌دارم قیمت پشت جلد را می‌بینم. پشت جلد اگر نباشد به سراغ صفحه شناسنامه می‌روم. نمی‌دانم این عادت از کجا می‌آید اما فکر می‌کنم چون همیشه قیمت کتاب مشخص بوده این عادت در سر ما مانده است. اما در این کتابفروشی قیمت برخی کتاب‌ها به طرز شگفت‌آوری ارزان بود. یعنی کتاب‌ها از چاپ قدیم مانده بودند و کسی به سراغ کتاب‌ها نرفته بود. همان کتاب‌ها اگر الان می‌خواستند تجدید چاپ شوند حالا قیمت‌شان یک چیز دیگر بود. بعد با خودم فکر کردم همین قیمت‌ها هم برای زمان خودشان قیمت‌های گرانی بوده‌اند. البته گران که می‌گویم واقعا کتاب همیشه نسبت به چیزهای دیگر آنقدر گران نبوده اما بالاخره ما همیشه فکر می‌کنیم کتاب گران است و به سمتش نمی‌رویم. ولی کتاب‌های چاپ گذشته ارزان بودند و یک چندتایی انتخاب کردم و آنها را خریدم و یک چندتایی هم نشان کردم که بروم و آنها را بخرم. یک چندتایی هم نشان کردم که وقتی سال‌ها ازشان گذشت بروم و با تورم روز آنها را ارزان بخرم. این طوری هم من کتاب‌هایی را که دوست دارم می‌خرم و هم کتاب‌ها از کتابفروشی‌ها خداحافظی می‌کنند.

اما یک چیز را متوجه شدم. آن اینکه هنوز هم تمایل دارم کتاب‌هایی که هیچ‌وقت نمی‌خوانم هم بخرم. اما در میان کتاب‌هایی که خریدم یک کتاب هزار و پانصد تومانی هم خریدم که از خریدنش راضی هستم. این کتاب یکی از کتاب‌های جذاب ادبیات داستانی مکزیک است. رمان «پدرو پارامو» نوشته خوان رولفو ترجمه احمد گلشیری. این کتاب را سال‌ها پیش قرض داده بودم و در کتابخانه نداشتم و دوباره خریدم. هیچ‌وقت علاقه‌ای به دوباره خواندن کتاب‌ها نداشته و ندارم ولی این بار کتاب به من تلنگر می‌زد که یک‌بار دیگر مرا بخوان. بعد هم شروع کردم به خواندن. رمانی شگفت‌انگیز که چنان روزها و سال‌ها و آدم‌ها را درهم پیچیده کرده که آدم شگفت‌زده می‌شود. ماجرای یک آدم و زندگی او در شهری که در آن زندگی می‌کند و زندگی اعجاب‌آوری دارد. همان‌طور که خیلی از رمان‌های امریکای لاتین این خصوصیت را دارند، خصوصیت رئالیسم جادویی؛ رئالیته‌ای که در باورها واقعی است اما برای دیگران جادویی به چشم می‌آید.

### اسماعیلی امینی: اشعار حافظ آینه‌ای برای تصویر انسان است

**اشعار حافظ به گونه‌ای است که انسان تصور می‌کند بیانگر احوال خودش است و به گونه‌ای می‌توان گفت آینه‌ای است که تصویری از انسان را نشان می‌دهد. تشبیهی در نامه‌های عین القضات همدانی، (عارف و نویسنده قرن پنجم و ششم هجری) است که می‌گوید کسی که شعر می‌گوید مانند کسی است که سطحی را صیقل می‌دهد تا آینه‌ای را بسازد و اولین بار تصویر آینه ساز را نشان می‌دهد ولی وقتی آینه ساز کنار می‌رود هر کسی جلوی آینه قرار می‌گیرد تصویر خودش را می‌بیند. شعر حافظ نیز انعکاس دهنده احوال عاطفی و روحی انسان هاست و به همین دلیل هم وقتی دهان باز می‌کند، افراد احساس می‌کنند آن دنیایی که حافظ از آن سخن می‌گوید برای آنان نیز مأنوس است.**

بخشی از گفته‌های این شاعر و استاد دانشگاه



مرز پرگرهر بنویسم که روان مرا با آواها و نواهای نواحی ایران عزیز آمیختند. حس وطن‌دوستی در من با همین آواها و نغمه‌های عاشقانه و عارفانه و آیینی شعله‌ورتر شد. ذره ذره جانم در قلمرو معنوی ایران زمین افشاندن شد. امروز، هر آوایی از گوشه گوشه این خاک را از آمیز سر بر می‌آورد، من نام و نشان خود را در تاروپود آن می‌بینم. با هر نغمه‌ای که از لایه‌لای فرهنگ عامه برمی‌خیزد، احساس خویشی و پیوند می‌کنم. جادوی موسیقی، خویشی مرا با همه اقوام ایرانی و چندان کرد. حس میهن‌دوستی را با عشق به اقوام ایرانی آمیخت و در وجود من به یادگار نهاد.

### زندگی با گر به پاستیل دوست

تا چه اندازه باید واقعیت‌های زندگی را به نوجوانان گفت؟ این سوالاتی است که اغلب خانواده‌ها از خود می‌پرسند، اما شاید بهتر است که این سؤال این‌طور پرسیده شود چگونه واقعیت‌های زندگی را به نوجوانان بگوئیم؟ واقعیت‌هایی مثل بی‌پولی، بیماری پدر و مادر و حتی بی‌خانمانی. اگر دوست دارید که نوجوان شما با این واقعیت‌ها مواجه شود نوجوانن کتاب «پاستیل‌های بنفش» نوشته «کاترین ایلگیت» پیشنهاد می‌شود.

همان‌طور که قبلا هم گفته شد مهم نحوه گفتن تلخی‌ها و واقعیت‌های زندگی است؛ در این کتاب مخاطب با زندگی پسرک نوجوانی به اسم جکسون مواجه می‌شود که شرایط خوبی ندارد، پدر بیمار است و نمی‌تواند کار تمام وقت داشته باشد و به همین دلیل اغلب اوقات بیگار است، حقوق مادر هم کفاف زندگی را نمی‌دهد. بنابراین خانواده چهارنفره مجبور به زندگی در یک «مینی ون» می‌شوند. نویسنده با انتخاب دوست خیالی که گر به‌ای بزرگ به اسم کریشنا است وعاشق پاستیل بنفش و البته حمام است. با همین ترفند نویسنده بخوبی داستان را با فانتزی و طنز به جلو می‌برد و به مخاطب خود یاد می‌دهد که در شرایط زندگی دو راه پیش رو دارد در تسلیم شرایط شود یا باخوشبینی و امیدواری شرایط را بپذیرد و به آینده امیدوار باشد. این راهی است که پسرک داستان با تخیل و شوخ طبعی خود و همراهی والدینش برای عبور از این شرایط سخت انتخاب می‌کند. ایلگیت در مقام نویسنده بخوبی نشان داده است که دنیای نوجوان را می‌شناسد و بخوبی توانسته است کتابی مفرح اما مبتنی بر شرایط امروز بنویسد و در نهایت تأکید کند که عشق، محبت و خانواده مهم‌ترین اصل در زندگی است. کتاب های این نویسنده آمریکایی بارها مورد تقدیر قرار گرفته است. او در سال ۲۰۱۳ کتاب «یکی و آن هم ایوان» را نوشت که برنده امدال نیوبری» شد.



است که پسرک داستان با تخیل و شوخ طبعی خود و همراهی والدینش برای عبور از این شرایط سخت انتخاب می‌کند. ایلگیت در مقام نویسنده بخوبی نشان داده است که دنیای نوجوان را می‌شناسد و بخوبی توانسته است کتابی مفرح اما مبتنی بر شرایط امروز بنویسد و در نهایت تأکید کند که عشق، محبت و خانواده مهم‌ترین اصل در زندگی است. کتاب های این نویسنده آمریکایی بارها مورد تقدیر قرار گرفته است. او در سال ۲۰۱۳ کتاب «یکی و آن هم ایوان» را نوشت که برنده امدال نیوبری» شد.

- پاستیل‌های بنفش**
- نویسنده: کاترین ایلگیت**
- مترجم: آن‌لهی‌ت‌حضرتی**
- ناشر: انتشارات پرتقال**

## عکس

**تس‌نیم به مناسبت روز بزرگداشت حافظ تصاویری از آرامگاه خواجه شمس‌الدین محمد، حافظ شیرازی، از محبوب‌ترین شعری سرزمین‌مان منتشر کرده؛ شاعری که در تاریخ ادبیات فارسی به لسان الغیب مشهور است. اهالی ادبیات دلیل اصلی شهرت این شاعر بلندآوازه را به سبب غزلسرایي و سرایش غزل‌های زیبای او می‌دانند؛ شاعری که باوجود محدودیت‌های جغرافیایی زبان فارسی، نه تنها در ایران، بلکه در اقصی نقاط جهان علاقه‌مندان بسیاری دارد.**



من این (ساعت) را به تو می‌دهم، نه برای آن که زمان را به‌خاطر بسیاری بلکه برای اینکه گاهی برای یک لحظه از یادش ببری و همه دمه‌هایت را مصروف غلبه یافتن بر آن‌کنی.



خشم و هياهو، ویلیام فاکنر
صالح حسینی، نشر نیلوفر

سیره رسول خدا(ص) - ۱۰

### حق محوری شوه رسول خاتم(ص)



**اسماعیل علوی**
دبیر گروه پایداری

در دنیایی که در بیشتر اعصار، محل عرضه باطل به نام حق بوده و مکاتب بسیاری حقیقت را فدای مصلحت اندیشی‌های مقطعی کرده و حق را با باطل درآمیخته‌اند پیامبر اکرم(ص) دعونگر حقیقت محض است و هرگز باطلی راه هرچند در ظاهر به سود آیین نوظهورش باشد و مسیر دعوتش را هموار کند به دین حق وارد نمی‌سازد و چه دشوار است این جداسازی دقیق حق از باطل و تمیز صدق و کذب در جهانی که پر از مصلحت‌بینی و بی‌تفاوتی است. قطع نظر از پرهیز شخص پیامبر(ص) از کذب و باطل، نکته مهمتر موضع‌گیری‌های قاطع و تکان‌دهنده آن حضرت در مقابله با جریان‌هایی است که به ظاهر تقویت‌کننده دین و در واقع مخرب اساس دینت است و رسول گرامی اسلام(ص) هرگز بنابر مصلحت بینی ظاهرگرایانه به وضع موجود، هر چند نسبتاً مطلوب می‌نمود راضی نمی‌شود یا مردم را از فریقن و فریفته شدن و دستخوش فتنه شدن باز می‌دارد و محور بودن حق و حقیقت را گوشزد می‌نماید. این استراتژی را در جلوه‌های گوناگون در سیره آن حضرت(ص) مشاهده می‌کنیم.

- تعیین محدوده وظایف و اختیارات خود**

برای پیشگیری از خلط حق و باطل و آمیختن حقیقت و مصلحت چه اقدامی بهتر و لازم‌تر از آنکه رسول خدا(ص) وظایف و اختیارات و قلمرو تصرفات خود را مشخص کند و بدین وسیله مرز دقیقی برای توقعات پیروان در امور دین و دنیا تعیین نماید. این اقدام به طور طبیعی مانع بسیاری از افراط‌ها، تفریط‌ها، انتظارات بی جا، آرزوهای کاذب و شفاعت طلبی‌های بی‌مورد خواهد شد. بر این اساس پیامبر اکرم(ص) به‌عنوان بالاترین اسوه الهی از جانب خداوند مأموریت می‌یابد خود را اینگونه معرفی کند: «بگو، من بشری هستم چون شما، جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است.» (فصلت آیه ۴) و در جای دیگری می‌گوید: «بگو، پاک است پروردگار من (آیا من نیز) جز بشری فرستاده هستم؟» (اسرا آیه ۹۳) اولین محور در شناساندن صحیح شخصیت پیامبر به مردم تأکید بر بشر بودن آن حضرت است که غفلت از این جنبه از شخصیت پیامبران بسیار اتفاق افتاده و باعث انحراف در عقیده یا عمل شده است. از جمله نتایج این غفلت احساس جدایی و عدم هماهنگی با پیامبر یا عدم امکان تأسی به او یا داشتن انتظارات غیرمعقول از اوست. در حالی که یادآوری جنبه بشری اسوه، باعث احساس قرابت و آمادگی برای پیروی بی‌چون و چرا از او می‌شود. جلوه‌های دیگر تعیین شئون و محدوده وظایف را در آیات زیر می‌یابیم: «(ای پیامبر) بگو، من تنها پروردگار خود را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌گردانم. بگو، من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم. بگو، هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی‌دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی‌یابم (وظیفه من) تنها ابلاغی از جانب خدا و (رساندن) پیام‌های اوست. (سوره جن آیه ۲۳ – ۲۰)

با در جای دیگر می‌فرماید: «بگو، من فقط آنچه را از پروردگارم به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم، این (قرآن) رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمت است.» (اعراف آیه ۲۰۳) همچنین می‌فرماید: «من مأمورم که تنها پروردگار این شهر که آن را مقدس شمرده و هر چیز را که از آن اوست، پرستش کنم و مأمورم که از مسلمانان باشم و اینکه قرآن بخوانم. پس هر که راه یابد تنها به سوی خدا راه یافته است و هر که گمراه شود بگو، من فقط از هشدارندگانم.» (نحل آیه ۹۲ و ۹۱)

و در این راستا می‌گوید: «بگو، به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است و غیب نیز نمی‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ای هستم.» (انعام آیه ۵۰) یا می‌فرماید: «بگو ای مردم! من برای شما فقط هشدارنده‌ای آشکارم.» (حج آیه ۴۹) ادامه این بحث را در شماره بعد پیگیری کنید.

